

# Working Towards Unity

Discharging Colonialism, Enslavement, and Genocide

By: Azi Khalili

International Liberation Reference Person  
for South, Central and West Asian – Heritage People

And

By: Teresa Enrico

International Liberation Reference Person  
for Pacific Islander, Pilipino/a, and C/Korean Heritage  
People Shoreline, Washington, USA

Farsi Translation

Vida Mozafarieh

کار و تلاش بسوی وحدت - تخلیه کردن  
استعمار، بردگی و نسل کشی

بقلم: آزاده خلیلی

شخص مرجع بین المللی آزادی برای مردمان  
میراث آسیای جنوبی، مرکزی و غربی  
بروکلین، نیویورک، امریکا

و

بقلم: ترسا انریکو

شخص مرجع بین المللی آزادی برای  
مردمان اقیانوس آرام، کره، ایسلاند، فیلیپین.  
شورلین، واشنگتن، امریکا

ترجمه فارسی

ویدا مظفریه

موارد زیر یادداشت های ترکیبی از اولین وینار از سه وینار برای افراد مرجع اکثریت جهانی و برخی دیگر از مدیران اکثریت جهانی است. وینارها توسط ترسانریکو (شخص مرجع بین المللی آزادی بخش برای جزیره نشینان اقیانوس آرام و فیلیپین و مردم میراث کره) و آزاده خلیلی شخص مرجع بین المللی آزادی بخش برای افراد میراث آسیای جنوبی، مرکزی و غربی): مدیریت شدند. ما بر این موضوع تمرکز کردیم که چگونه ذهنمان تحت تاثیر استعمار، بردگی و نسل کشی قرار گرفته است.) در حالیکه آزردگی های سلطه ضد فلسطینی و یهودی ستیزی را تخلیه می کردیم.

طبیعت انسان و آزردن شدن:

هر یک از ما اساساً خوب، فوق العاده، قابل توجه، دوست داشتنی و قدرتمند هستیم. و همچنین با تأثیرات قرن ها آزردگی، خشونت و آزردگی های عاطفی روبرو هستیم که سعی می کنند ما را در مورد اینکه چه کسی هستیم گیج کنند. به ما دروغ گفته اند که با هوش نیستیم، مهم نیستیم.

همه ما با استعمار و تاریخ آن ارتباط داریم که از طریق نژادپرستی، نسل کشی، بردگی، امپریالیسم و استعمار نو تداوم یافته است. جوامع ما مستعمره شده اند و دارای تاریخچه طولانی آزردگی انباشته شده اند. ما قادر خواهیم بود تا بطور منطقی درمورد اشغال غزه و حمله به غزه فکر کنیم زیرا بطور جمعی راه هایی برای التیام اثرات تاریخی و مداوم بردن ما از استعمار، بردگی و نسل کشی پیدا است.

در این برهه از تاریخ، نوع بشر ما، به شدت آسیب دیده و لایه ها و لایه های آزردگی را به دوش میکشد. ما در نتیجه هزاران سال آزردگی نسل ها و انباشته شدن آزردگی ها بدون امکان تخلیه، به این نقطه رسیده ایم. و ما همدیگر را با این آزردگی ها، هدف قرار می دهیم — و گاهاً وحشیانه و خشونت آمیز در جهت یکدیگر رفتار می کنیم.

خبر خوب این است که هر یک از ما، هر انسانی، بهترین کار ممکن را در شرایط بد و وحشیانه و ظالمانه انجام می دهد و تمام تلاش خود را می کند — و این آزردگی ها نباید دائمی باشند. ما میتوانیم از این ابزار های آرسی برای توسعه و حفظ دیدگاه های طرفدار انسان و ضد الگوی آزردگی استفاده کنیم. ما میتوانیم در هر شرایطی به بزرگترین و بهترین فکر و چشم انداز ممکن توجه کنیم.

استعمار:

از نظر تاریخی همانطور که جوامع برابری خواه به جوامع طبقاتی تبدیل شدند، الگوهای آزردگی ما باعث شد که بپذیریم که یک گروه از گروه دیگر استفاده کند. استثمار برای جوامع سرکوب گر ما اساسی است و در همه اشکال سلطه گری نهفته است. این مشکل دیرینه ریشه در استعمار دارد که برای قرن ها، اگر نگوییم هزاره ها، وسیله ای کلیدی برای استثمار بوده است. استعمار مستلزم تسلط کامل گروه ها، قبایل و ملت ها، از جمله سرزمین، محیط، فرهنگ و زبان های آن ها، توسط گروه هایی است که هدفشان استثمار کامل است.

در این فصل تاریخ بشریت ما، در پانصد سال گذشته، اقلیت کوچکی از انسان ها از اروپا، که بسیار آزرده بودند، شروع به جمع آوری ثروت و قدرت کردند — استثمار، استعمار، بردگی و نسل کشی ما، مردم اکثریت جهانی.

این افراد میراث اروپایی، به اشتباه احساس برتری نسبت به ما کردند و معتقد بودند که از ما با هوش تر هستند و حق داشتن منابع، زمین، بدن و نیروی کار رایگان یا ارزان ما را دارند. آنها برتری سفید پوستان را عادی یا “طبیعی” میدانستند و تسلط بر مردم اکثریت جهانی و نسل کشی مردم بومی را اجتناب ناپذیر میدانستند.

ما در آرسی درک می‌کنیم که انسان های آزرده شده، انسان های دیگر را آزرده می‌کنند. این مردم میراث اروپایی عمیقاً آزرده بودند و به دلیل ترس از کمبود و مرگ و همچنین نبود و قطع ارتباط با انسان های دیگر، این آزرده‌گی ها بصورت طمع سیری ناپذیر ظاهر شد و این افراد، و در نتیجه همچنین ما را، به درد سر بزرگی گرفتار کردند.

آنها منابع را دزدیدند، مردم را به بردگی گرفتند و زمین هایی را در سراسر آفریقا، امریکای لاتین، کارائیب، آسیا، استرالیا و جزایر اقیانوس آرام تصرف کردند.

آنها از راهبرد های « تفرقه بیانداز و حکومت کن» در میان استعمار شدگان استفاده کردند و تا به امروز، اختلافات و خصومت های « ساخته » در میان استعمار شدگان، در میان ما، هنوز التیام نیافته است.

استعمار گران همچنین زیرساخت های محلی را ویران کردند. ما هنوز با پیامدهای مدیریت محلی درهم شکسته، فرهنگ های سرکوب شده، ادیان به حاشیه رانده شده، اقتصاد های مختل شده، سیستم های تولید غذای بومی تخریب شده، فرسایش زبان های بومی/محلی خود سر و کار داریم، که این ها فقط چند موردی است که نام بردیم.

استعمار گران همچنین جنگ هایی را بین استعمار گر/مردم مستعمره و نیز برانگیختن جنگ های داخلی، آغاز کردند و درگیر آن شدند — همه به نفع استعمار گر . یکی دیگر از سلاح های مورد استفاده استعمار گر ( که عموماً در جنگ ها و ارتش جاسازی می‌شود) بهره کشی و خشونت جنسی است که عمدتاً زنان و جوانان را هدف قرار می‌دهد. مواد مخدر، الکل و سایر مواد اعتیاد آور معمولاً بخشی از این هستند. جنگ، خشونت جنسی و مواد مخدر باعث آزرده‌گی هایی می‌شود که افراد مستعمره شده را وادار به پذیرش سلطه، اعتیاد، ترور، ناتوانی، شکست، ناامیدی، ضبط درونی شده نسل کشی و موارد دیگر می‌کند.

استعمارگران در تاریخ خود، خود را قهرمان معرفی می‌کردند. مردم اکثریت جهانی و مردم بومی نامرئی می‌شوند و در نتیجه فرهنگ های غنی و متنوع آنها را از بین می‌بردند. بازنویسی تاریخ در خدمت مشروعیت بخشیدن به تسلط و کنترل آنها بر زمین بود.

در این روایت ها، جوامع پیچیده، سیستم های دانش پیشرفته و سنت های مردم استعمار کنار گذاشته یا تصاحب می شوند. دستاورد ها و کمک های مردم مستعمره کم اهمیت یا نادیده گرفته می شود. مبارزات مقاومتی ما علیه حکومت استعماری بعنوان شورش های غیر قانونی یا تروریسم به تصویر کشیده میشود تا مبارزات مشروع برای عدالت و تعیین سرنوشت استعمارگران و شهرک نشینان، استعمار شدگان را بدلیل مقاومت در برابر استعمار با زندانی کردن و کشتن آنها مجازات می کردند.

با کنترل روایت، استعمارگران و شهرک نشینان، اطمینان حاصل کردند که نسل های آینده، چه در کشور های استعمارگر و چه در کشور های مستعمره، دوره استعمار را از دریچه ای ببینند که قدرت نظامی، خشونت، سلطه و برتری استعمار را توجیه و تجلیل کند.

هنگامیکه استعمارگران دیگر به مردم مستعمره برای کار ارزان یا اجباری خود نیاز نداشتند، اما همچنان زمین و منابع آن را میخواستند، نسل کشی را بر این مردم بومی، قبیله ای بومی اعمال می کردند.

استعمار، بردگی و نسل کشی، استعمارگر و استعمار شده، برده و برده گر، و شهرک نشینان و کسانی که هدف نسل کشی قرار گرفته اند را از انسانیت خارج کرد. نقش سلطه شده و سلطه گر ما را به دو دسته برتر/فرو دست، مسلط/تحت سلطه و دشمن/متحد تقسیم می کند. آنها دوگانگی ایجاد می کنند. کسانی که زندگی آنها مهم است و کسانی که زندگی آنها مهم نیست.

هیچکدام از این نقش ها واقعی یا ماندگار نیستند. آنها توسط سلطه گر تحمیل می شوند و از بدو تولد بر زیر سلطه و سلطه گر تحمیل می شوند. خشونت و تهدید به خشونت، از طریق نیرو های پلیس و نظامیان محلی، تضمین می کند که ما این نقش ها و ساختارهای ظالمانه، غیر انسانی و استعمارگرانه آنها را تحمل کنیم.

ایالات متحده:

ایالات متحده در سال ۲۰۲۴ بزرگترین و مسلط ترین طبقه مالک را در بین هر کشوری دارد. قاره آمریکا ابتدا یک جامعه بی طبقه بود، که شامل تقریباً ششصد قبیله بومی مستقل بود که هیچ مفهومی از مالکیت خصوصی نداشتند. زمانی که مهاجران اروپایی سرزمین بومیان را دزدیدند و سیاست های نسل کشی را علیه آنها اجرا کردند، قاره آمریکا به زور به یک جامعه طبقاتی تبدیل شد.

مهاجران به بردگی گرفتن انسان های آفریقایی ادامه دادند و آنها را با خشونت مجبور به کار بدون مزد کردند. ایالات متحده از کشوری با منابع توسعه نیافته محدود، با بهره برداری از کار اجباری و بدون مزد آفریقایی های ربوده شده برای قرن ها، به تکامل رسید و دگرگون شد.

سرانجام ، با ربودن مواد معدنی، نفت و سایر منابع از 'جنوب جهانی' و سود انبوه از جنگ، نظامی سازی و فروش اسلحه، و همچنین با سرکوب و استثمار طبقه کارگر، ایالات متحده به کشور سرمایه داری تبدیل شد. این تبدیل به کشور سرمایه داری مسلط، بر اساس استثمار، بردگی، نسل کشی، امپریالیسم و سرکوب و استثمار طبقه کارگر بود.

سلطه درونی شده:

بدترین آثار استثمار، بردگی و نسل کشی، آزدگی هایی است که بر ذهن ما می گذارد. آزدگی بزرگترین مشکل ما بعنوان یک گونه است. ما را از یافتن و اجرای راه حل هایی منطقی، انسانی و حامی بقاء برای چالش های مهمی که در حال حاضر با آن روبرو هستیم، باز میدارد.

استثمار، بردگی و نسل کشی ما را با سلطه درونی شده مواجه کرده است. ما ، هر یک از ما را تشویق می کنیم که تا آنجا که میتوانیم صادق و با مروت باشیم — در مورد اینکه چگونه آزرده شده ایم، مردم ما چگونه آزرده شده اند و در مورد اینکه مردم ما چگونه دیگران را آزرده کرده اند.

در زیر نمونه هایی از سلطه درونی شدن آمده است:

. بسیاری از ضبط های آزدگی از قربانی بودن و عاملان خشونت

. بدرفتاری با فرزندانمان

. مبارزه با تداوم خشونت جنسی

. احساس حقارت در رابطه با مردم اروپایی

. ساکت شدن و نامرئی شدن در جمع مردم اروپایی

. احساس کردن که اروپایی ها باید مسئول باشند

. احساس ناتوانی و الگوهای انفعال

. احساس حماقت و عدم اعتماد به ذهن خود یا افرادی که شبیه ما هستند

. حمله به مدیران مان

. ترس از ایستادگی برای عدالت

. اجازه دادن به نفرت برای استثمار ذهن ما، که منجر به نفرت از خود، اعضای حوزه انتخابیه ما، یا از هر فرد اروپایی

. احساس اینکه هیچ چیز در مورد ما درست نیست — درک فرهنگ، زبان و نهاد هایمان به عنوان اشتباه

. مبارزه با احساس بی اهمیتی

. احساس جدایی از مردم خود و دیگران

. احساس تنهایی و قطع ارتباط

. زندگی با ضبط های نسل کشی

. تلاش برای زنده بودن یا زنده بودن کامل

. اجرای الگوهای خود ویرانگر، از جمله استفاده از مواد برای بی حس کردن احساسات غیر قابل تحمل

. احساس خشم مزمن، تحقیر، ویران شدن و قربانی شدن

. آسیب پذیر بودن در برابر درستکاری نیروهای سرکوب گر که انسانیت ما را تضعیف می کنند  
. تلاش برای اولویت دادن به سلامتی، ارزیابی مجدد و رفاه کلی  
. تلاش برای احساس شادی و شاد بودن

حال بیابید جهانی بدون استثمار، برتری، نسل کشی و سلطه را تصور کنیم. چگونه به آنجا برسیم؟

